

Analysis and Evaluation of Iran's Macroeconomic Policies in Response to Western Economic Sanctions from 2005 to 2013 in Light of Economic Realism Theory

Abstract

From 2005 to 2013, Iran's economy came under intense pressure from broad international sanctions led by the United States. These sanctions targeted key sectors such as oil, banking, and foreign trade, leading to currency fluctuations, soaring inflation, and a decline in economic growth. However, a significant portion of the economic problems during this period stemmed from structural weaknesses and domestic inefficiencies, including dependence on oil, systemic corruption, and lack of institutional cohesion. The main research question is: "What were the macroeconomic strategies of the Islamic Republic of Iran in countering Western economic sanctions between 2005 and 2013, and what structural and institutional barriers did they face?" The research hypothesis is that policies such as the "resistance economy," self-sufficiency, and expanding relations with non-Western partners were able to partially meet the country's needs; however, due to weak institutional infrastructure, lack of transparency, and conflicts of interest, the achievement of overarching economic goals faced significant setbacks. The literature review shows that most previous studies have examined sanctions primarily as an external factor in the economic crisis, paying little attention to the link between domestic structural challenges and policy failures. The competing theory argues that the economic failures of this period were solely the result of external sanctions pressure, downplaying or ignoring the role of internal institutional and managerial factors. Drawing on the framework of economic realism—which emphasizes the connection between power, the economy, and institutional structures—this study analyzes Iran's macroeconomic policies during this period and concludes that institutional reform, strengthening economic independence, and reducing centralization are prerequisites for resilience against sanctions. The findings indicate that policies such as the resistance economy, self-sufficiency, fiscal contraction, and limited engagement with non-Western partners were, in some cases, relatively successful in meeting certain national needs. Nevertheless, due to the absence of efficient institutional infrastructure, conflicts of interest, lack of transparency, and weak cohesion in economic governance, the achievement of macroeconomic goals was ultimately unsuccessful.

طبق چکیده جدید بازنویسی شد: Commented [U1]:

The research uses a descriptive-analytical method, relying on secondary data analysis, official documents, reports from domestic and international economic institutions, and a review of policy-making trends during the specified years. In conclusion, the study emphasizes the need for institutional reform, strengthening the independence of economic institutions, systematically combating corruption, and reducing centralization in macroeconomic management as key prerequisites for building resilience against sanctions.

Keywords: Iran's economy, international sanctions, macroeconomic policies, resistance economy, external pressure, economic management.

تحلیل و ارزیابی سیاست های کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تحریم های اقتصادی

غرب از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در پرتو آموزه های نظریه واقع گرایی اقتصادی

چکیده

از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، اقتصاد ایران تحت فشارهای گسترده تحریم های بین المللی به رهبری ایالات متحده قرار گرفت. این تحریم ها بخش های کلیدی چون نفت، بانکداری و تجارت خارجی را هدف قرار داده و موجب نوسانات ارزی، تورم فزاینده و افت رشد اقتصادی شدند. با این حال، بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی این دوره، ناشی از ضعف های ساختاری و ناکارآمدی های داخلی همچون وابستگی به نفت، فساد سیستمی و نبود انسجام نهادی بود. سؤال اصلی پژوهش آن است که: «راهبردهای کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تحریم های اقتصادی غرب در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ چه بوده و با چه موانع ساختاری و نهادی مواجه شده اند؟» فرضیه پژوهش بر این است که سیاست هایی مانند اقتصاد مقاومتی، خودکفایی و گسترش روابط با شرکای غیرغربی توانسته اند بخشی از نیازهای کشور را تأمین کنند، اما به دلیل ضعف زیرساخت نهادی، نبود شفافیت و تعارض منافع، تحقق اهداف کلان با ناکامی روبرو شده است. پیشینه تحقیق نشان می دهد که اغلب مطالعات پیشین، تحریم ها را صرفاً به عنوان عامل خارجی بحران اقتصادی بررسی کرده و کمتر به پیوند بین چالش های ساختاری داخلی و ناکامی در سیاست گذاری پرداخته اند. نظریه رقیب دیدگاهی است که ناکامی های اقتصادی این دوره را صرفاً نتیجه فشار تحریم های خارجی دانسته و نقش عوامل نهادی و مدیریتی داخلی را کم رنگ یا نادیده می گیرد. این پژوهش با بهره گیری از چارچوب نظریه واقع گرایی اقتصادی، که بر ارتباط میان قدرت، اقتصاد و ساختارهای نهادی تأکید دارد، به تحلیل سیاست های کلان اقتصادی ایران در این دوره می پردازد و در پایان، اصلاح ساختارهای نهادی، تقویت استقلال اقتصادی و کاهش تمرکزگرایی را پیش شرط تاب آوری در برابر تحریم ها می داند. یافته های پژوهش نشان می دهد که سیاست هایی چون اقتصاد مقاومتی، خودکفایی، انقباض مالی و تعامل محدود با شرکای غیرغربی در برخی موارد موفق به تأمین نسبی نیازهای کشور شده اند، اما در مجموع، به دلیل فقدان زیرساخت نهادی کارآمد، تعارض منافع، نبود شفافیت، و فقدان انسجام در حکمرانی اقتصادی، دستیابی به اهداف کلان اقتصادی با ناکامی روبرو شده است. روش تحقیق این مطالعه توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل داده های ثانویه، اسناد رسمی، گزارش های نهادهای اقتصادی داخلی و بین المللی، و بررسی روندهای سیاست گذاری اقتصادی طی سال های مورد نظر است. پژوهش در پایان، بر لزوم اصلاح ساختارهای نهادی، تقویت استقلال نهادهای اقتصادی، مبارزه نظام مند با فساد، و کاهش تمرکزگرایی در مدیریت کلان اقتصادی به عنوان پیش شرط تاب آوری در برابر تحریم ها تأکید دارد.

بیان مساله , فرضیه , پیشینه , نظریه رقیب : [U2] Commented
اضافه شد.

واژگان کلیدی: اقتصاد ایران، تحریم های بین المللی، سیاست های کلان اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، فشار خارجی، مدیریت اقتصادی.

مقدمه:

اقتصاد ایران در دو دهه اخیر، به‌ویژه در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، تحت تأثیر مجموعه‌ای از تحولات سیاسی و ژئوپلیتیکی قرار داشته است که مهم‌ترین آن‌ها تحریم‌های فزاینده و گسترده‌ای است که از سوی ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی آن اعمال شده‌اند. این تحریم‌ها با هدف تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران و تغییر رفتارهای سیاسی آن، بخش‌های حیاتی اقتصاد کشور از جمله نفت، نظام بانکی، تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری را هدف قرار داده‌اند و موجب بروز نوسانات ارزی، افزایش نرخ تورم، کاهش رشد اقتصادی و اتکای روزافزون به منابع داخلی شده‌اند. مدیریت اقتصادی در چنین شرایط پیچیده و دشواری، مستلزم اتخاذ سیاست‌گذاری‌های هوشمند، منسجم و چندبعدی است که بتواند ضمن کاهش آسیب‌های ناشی از تحریم‌ها، مسیر توسعه و ثبات اقتصادی را تضمین کند.

بررسی ادبیات اقتصادی نشان می‌دهد که برخلاف گفتمان رسمی سیاست‌گذاری در ایران، در میان اقتصاددانان و اساتید برجسته این حوزه، «اقتصاد مقاومتی» به‌عنوان راهکار اصلی برون‌رفت از فشارهای ناشی از تحریم‌ها، جایگاه غالبی ندارد. هرچند در برخی محافل محدود بر تکیه بر توان داخلی، خودکفایی، کاهش وابستگی به صادرات نفت و افزایش تاب‌آوری اقتصادی تأکید شده است، اما بخش عمده اندیشمندان اقتصادی معتقدند که بدون اصلاح ساختارهای نهادی، ارتقای شفافیت، بهبود حکمرانی اقتصادی و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی، چنین رویکردهایی نه تنها کارآمد نخواهند بود، بلکه می‌توانند به تداوم ناکارآمدی‌ها و افزایش انزوای اقتصادی بینجامند.

بحث ادبیات اقتصادی درخصوص اقتصاد مقاومتی منطبق با نظر داوران محترم بازنویسی شد

بخش تعامل با اقتصاد جهانی هم منطبق با نظر داوران شد و پارادوکس برطرف شد

هدف این پژوهش تحلیل و ارزیابی سیاست‌های کلان اقتصادی ایران در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است تا بتواند تصویری واقع‌گرایانه از موفقیت‌ها و محدودیت‌های سیاست‌گذاری در این دوره ارائه دهد. سؤال اصلی مقاله این است که راهبردهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تحریم‌های اقتصادی غرب در این بازه زمانی چه بوده و چه موانع ساختاری و نهادی بر سر راه تحقق اهداف آن قرار داشته است؟

فرضیه پژوهش نیز بر این مبناست که «سیاست‌هایی مانند اقتصاد مقاومتی، خودکفایی و گسترش روابط با شرکای غیرغربی توانسته‌اند بخشی از نیازهای کشور را تأمین کنند، اما به دلیل ضعف زیرساخت نهادی، نبود شفافیت و تعارض منافع، تحقق اهداف کلان با ناکامی روبرو شده است.» در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده

شده است؛ بدین معنا که ابتدا با گردآوری داده‌های ثانویه از منابع معتبر شامل اسناد رسمی دولت، قوانین و مقررات اقتصادی، گزارش‌ها و آمارهای نهادهای داخلی و بین‌المللی، و نیز مطالعات پیشین مرتبط، تصویری جامع از سیاست‌های اقتصادی ایران در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ ارائه می‌شود. سپس این داده‌ها با رویکرد تحلیلی و بر اساس چارچوب نظری «واقع‌گرایی اقتصادی» مورد بررسی قرار می‌گیرند تا نقاط قوت، ضعف و پیامدهای سیاست‌هایی مانند اقتصاد مقاومتی، خودکفایی و توسعه روابط غیرغربی شناسایی شود. اهمیت این پژوهش در آن است که فهم علمی و واقع‌بینانه سیاست‌های اقتصادی در شرایط تحریمی می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران کمک کند تا در مواجهه با تحریم‌های احتمالی آینده، راهکارهایی موثرتر و مبتنی بر تجربه‌های گذشته اتخاذ نمایند و از تکرار ناکامی‌ها جلوگیری کنند.

روش تحقیق، شفاف‌تر شد و توضیحات: [U5] Commented
اضافه شد

۱-پیشینه تحقیق

مقاله «اثر تحریم‌های اقتصادی بر GDP سرانه در اقتصاد ایران با استفاده از روش کنترل ترکیبی»، عیسی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) با بهره‌گیری از روش کنترل ترکیبی به ارزیابی تأثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر GDP سرانه ایران در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ پرداخته است. نویسندگان با شبیه‌سازی «ایران بدون تحریم»، کاهش ۳۳ تا ۴۴ درصدی در GDP سرانه را به عنوان هزینه اقتصادی تحریم‌ها شناسایی کرده‌اند. تحلیل آنها مبتنی بر مدل‌سازی آماری اثرات تحریم‌ها بدون ورود به حوزه سیاستگذاری و پاسخ‌های اقتصادی ایران است. مقاله فوق بر این اعتقاد است که تحریم‌ها اثر مستقیم و کاهنده‌ای بر GDP سرانه ایران داشته‌اند و این موضوع را با تمرکز بر سنجش آماری بررسی می‌کند؛ درحالی‌که مقاله ما فراتر از بررسی صرف آثار آماری، به تحلیل راهبردها و سیاست‌های کلان اقتصادی دولت ایران در مواجهه با این تحریم‌ها طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ پرداخته و چگونگی «مدیریت اقتصاد تحریم‌زده» را به عنوان مسئله اصلی بررسی می‌کند. نوآوری مقاله ما در تلفیق تحلیل سیاستی و عملکرد نظام تصمیم‌گیری اقتصادی ایران در برابر فشارهای بین‌المللی است.

بخش اول مطابق با نظر داوران حذف شد و: [U6] Commented
فقط پیشینه در اینجا آورده شد

همچنین مقاله «اثرات و پیامدهای تحریم‌های اقتصادی دولت ایالات متحده آمریکا»، غلامی قاسم‌دشتبانی (۱۴۰۰) به شیوه‌ای توصیفی-اکتشافی به بررسی پیامدهای کلی تحریم‌های اقتصادی بر ایران پرداخته و پیامدهایی نظیر تورم، بیکاری، نوسان نرخ ارز و محدودیت‌های بانکی را تشریح می‌کند. تمرکز مقاله بیشتر بر توصیف آسیب‌هاست تا واکنش‌ها یا سیاستگذاری‌های متقابل. اما مقاله ما بر سیاست‌های کلان مقابله با تحریم‌ها و بررسی

انتقادی واکنش‌های دولت در سطوح مالی، ارزی، تجاری و بودجه‌ای تمرکز دارد. درواقع، نوآوری مقاله ما در تحلیل نحوه مدیریت اقتصاد ایران در دوره تحریم است، نه صرفاً توصیف آثار آن.

نویسندگان مقاله «تحریم‌های اقتصادی: تکامل، پیامدها و چالش‌ها» با رویکردی میان‌رشته‌ای به بررسی سیر تاریخی استفاده از تحریم‌ها پس از جنگ جهانی دوم و تأثیرات آنها در سیاست خارجی پرداخته‌اند و بر ضرورت تلفیق دیدگاه‌های اقتصاد و علوم سیاسی برای فهم بهتر فرآیند تحریم‌ها تأکید کرده‌اند. این دیدگاه کلی و جهانی است، در حالی که مقاله حاضر به تحلیل خاص سیاست‌های کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تحریم‌های اقتصادی غرب طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ می‌پردازد و بیشتر بر واکنش‌ها و استراتژی‌های داخلی ایران تمرکز دارد.

مقاله «تأثیر تحریم‌های آمریکا بر جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سمت شرق»، گودرزی و علینقی‌پور (۱۴۰۰) با تمرکز بر دوره ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰، بررسی می‌کند که چگونه تحریم‌های آمریکا باعث افزایش وابستگی اقتصادی ایران به روسیه شده‌اند و سیاست نگاه به شرق را در دولت روحانی تقویت کرده‌اند. تمرکز مقاله بیشتر بر تحولات سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی با محوریت روسیه است. این در حالی است که مقاله ما با تمرکز جامع‌تری، نه تنها به دیپلماسی اقتصادی، بلکه به سیاست‌های کلان اقتصادی در حوزه‌های گوناگون مانند ارز، بودجه، تجاری و پولی طی دو دهه اخیر پرداخته و رفتارهای دولت‌های مختلف ایران را در واکنش به تحریم‌ها تحلیل کرده است. نوآوری ما در پوشش چندبعدی سیاست‌گذاری اقتصادی و مقایسه تطبیقی دوره‌های مختلف است.

۲- مبانی نظری: نظریه واقع‌گرایی اقتصادی

نظریه واقع‌گرایی اقتصادی رویکردی است که به جای اتکا بر مدل‌های صوری و ریاضی، بر تحلیل ساختارهای زیربن و علل واقعی کنش‌های اقتصادی تأکید دارد. این رویکرد، برخلاف اقتصاد نئوکلاسیک که بر تعادل، عقلانیت کامل و فردگرایی استوار است، معتقد است که جهان اقتصادی دارای ساختارهای پیچیده، وابسته به زمان و غیرقابل تقلیل به مدل‌های ساده است. در این نظریه، تأکید بر کشف «مکانیسم‌های مولد»^۱ و ساختارهایی است که در پس پدیده‌های مشهود اقتصادی قرار دارند. به بیان دیگر، واقع‌گرایی اقتصادی خواهان نگاهی عمیق‌تر و هستی‌شناختی به پدیده‌های اقتصادی است که بتواند به درک دقیق‌تری از علل و پیامدهای رفتارهای اقتصادی

^۱ Economic Sanctions: Evolution, Consequences, and Challenges

^۲ Generative Mechanisms

منجر شود، حتی اگر این رفتارها به ظاهر با نظریه‌های رسمی همخوان نباشند. تونی لائوسون¹ از مهم‌ترین چهره‌های این جریان، معتقد است که روش‌شناسی اقتصادی باید از تقلید سطحی از علوم طبیعی فاصله بگیرد و به ماهیت پیچیده و باز اقتصاد اجتماعی وفادار باشد. اگرچه لائوسون به شاخه‌ای خاص از اقتصاد دگراندیش وابسته نیست، می‌توان گفت که آثار او به توسعه و جذابیت اقتصاد دگراندیش از جنبه‌های مختلف کمک کرده است. یکی از ویژگی‌های مشترک اغلب مکاتب اقتصاد دگراندیش، نقد فرمالیسم ریاضی است که یکی از اصول بنیادین نظریه اقتصادی جریان اصلی به‌شمار می‌رود. ویژگی مشترک دیگر، تأکید اقتصاد دگراندیش بر نقش اساسی روش‌شناسی اقتصادی در این رشته است. همچنین، بیشتر اقتصاددانان دگراندیش خواستار رویکردی واقع‌گرایانه‌تر در مطالعه پدیده‌های اقتصادی هستند (Drakopoulos, 2025: 1-2). نوع خاصی از واقع‌گرایی اقتصادی که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، «واقع‌گرایی انتقادی»² نام دارد که در میان اقتصاددانان دگراندیش³ رواج یافته است. این نظریه بر آن است که شناخت علمی از اقتصاد مستلزم کشف ساختارهای زیربنایی، نیروهای علی و زمینه‌های اجتماعی است. برخلاف اقتصاد نئوکلاسیک که جهان را به مثابه نظامی بسته با داده‌های ثابت در نظر می‌گیرد، واقع‌گرایی انتقادی تأکید دارد که نظام اقتصادی باز، پیچیده و تاریخ‌مند است و در آن عوامل غیرقابل مشاهده مانند قدرت، فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها نقشی اساسی دارند. این رویکرد با نقد رویکردهای ساده‌انگارانه و انتزاعی، در پی بازسازی علم اقتصاد به مثابه دانشی اجتماعی و تبیینی است که قادر به توضیح واقعیت‌های متغیر و چندوجهی اقتصادی باشد. کلیت این رویکرد را می‌توان اینگونه بیان کرد که واقع‌گرایی اقتصادی بر سه مبنای اصلی استوار است: نخست، وجود ساختارهای واقعی و مستقل از ذهن در پدیده‌های اقتصادی؛ دوم، نقش علیت و مکانیسم‌های پنهان در شکل‌گیری کنش‌ها و نتایج اقتصادی؛ و سوم، ضرورت شناخت زمینه‌های تاریخی، نهادی و اجتماعی برای تبیین دقیق واقعیت اقتصادی. لذا نظریه واقع‌گرایی اقتصادی با تأکید بر تحلیل ساختارهای پنهان، علل علی و بسترهای نهادی، امکان درک عمیق‌تری از سیاست‌های کلان اقتصادی جمهوری اسلامی در دوره مورد مطالعه این مقاله را فراهم می‌کند. این نظریه به جای ارزیابی صرف سیاست‌ها بر پایه مدل‌های صوری، به بررسی واقعیت‌های ژئوپلیتیکی، نهادهای داخلی، و منطق بومی تصمیم‌گیری اقتصادی در مواجهه با تحریم‌ها می‌پردازد. انتخاب این چارچوب تحلیلی کمک می‌کند سیاست‌های مقاومت اقتصادی را نه صرفاً واکنشی، بلکه در بستر قدرت، بقا و سازوکارهای نهادی تحلیل کرد.

¹ Tony Lawson

² Critical Realism

³ Heterodox economics

۳- مفاهیم تحقیق : اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک الگوی بومی و راهبردی، با هدف تقویت بنیان‌های اقتصادی، رفع آسیب‌پذیری‌ها و بازسازی ساختارها و نهادهای ناکارآمد اقتصادی شکل گرفته است (زارعی، ۱۳۹۱: ۱۲-۲۴). این رویکرد بر پایه کاهش وابستگی به خارج، بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و تکیه بر تولید ملی، در تقابل با الگوی اقتصاد وابسته تعریف می‌شود (میلانی، ۱۳۹۴: ۵). تحقق چنین الگویی مستلزم باور عمومی، مشارکت گسترده مردم و مدیریت خردمندانه و آینده‌نگر است.

از منظر نظری، اقتصاد مقاومتی با تأکید بر توسعه درون‌زا و کاهش وابستگی به صادرات مواد خام، راهبردی برای مقابله با سلطه اقتصادی قدرت‌های خارجی محسوب می‌شود. در ایران، این رویکرد در قالب سیاست‌هایی چون افزایش تولید داخلی، حمایت از صنایع بومی، کنترل واردات، هدفمندسازی یارانه‌ها، متنوع‌سازی منابع درآمدی و بومی‌سازی فناوری دنبال شده است. این اقدامات به‌ویژه در دوره تشدید تحریم‌های بین‌المللی (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲)، به عنوان پاسخی به فشارهای ساختاری و محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی غرب، اهمیت دوچندان یافت (ستوده‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳۰-۷۳۸).

اقتصاد مقاومتی در این بستر، نه تنها به عنوان یک راهبرد کوتاه‌مدت مقابله‌ای، بلکه به مثابه چارچوبی ساختاری و بلندمدت برای مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تکانه‌های بیرونی مطرح است. این چارچوب بر اصولی چون خوداتکایی، انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری، بهره‌گیری حداکثری از منابع داخلی و مقاوم‌سازی اجتماعی تکیه دارد. با وجود این، پرسش اصلی این است که تا چه حد سیاست‌های کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در این دوره، توانسته‌اند در پرتو آموزه‌های نظریه واقع‌گرایی اقتصادی، به اهداف پیش‌بینی‌شده در اقتصاد مقاومتی دست یابند؟ و آیا این سیاست‌ها واقعاً توانسته‌اند آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را در برابر فشارهای ناشی از تحریم‌های غرب کاهش دهند، یا بیشتر جنبه واکنشی و کوتاه‌مدت داشته‌اند؟

کل متن بازنویسی شد و منطبق با نظر [U7] Commented
داوران به بیان مسئله در آن برجسته شد.

۴- تحریم‌ها و اثرات آن بر اقتصاد ایران

برای بررسی تحریم‌ها و اثرات آن‌ها بر اقتصاد ایران در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، و تحلیل ابعاد مختلف تحریم‌ها، لازم است که تاریخچه تحریم‌ها، اهداف سیاسی و اقتصادی آن‌ها، و تأثیرات این تحریم‌ها بر بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گیرد. در اینجا، چارچوبی برای تحلیل تحریم‌ها و اثرات آن‌ها بر اقتصاد ایران ارائه می‌شود:

۴-۱ بررسی تاریخی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران (۱۳۸۴-۱۳۹۲) و اهداف سیاسی و اقتصادی آن‌ها

در این بخش، شروع تحریم‌های شدیدتر را از سال ۱۳۸۴ در نظر گرفتیم تا بیش از پرداختن به تاریخ، فرصت تحلیل سیاسی و اقتصادی را در سطور بعدی داشته باشیم. این دوره با توجه به برنامه هسته‌ای ایران و افزایش نگرانی‌های جهانی در مورد نقض احتمالی تعهدات هسته‌ای ایران، تحریم‌های اقتصادی در ابعاد مختلف به‌ویژه از سوی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا تشدید شد و تا کنون نیز ادامه یافته است. تحریم‌های اولیه شامل ممنوعیت‌های تجاری و محدودیت‌های بانکی بود.

Commented [U8]: دوره تحریم‌ها اصلاح شد

از سال ۱۳۹۱ به بعد، تحریم‌ها به شدت افزایش یافت. مهم‌ترین تحریم‌ها شامل تحریم‌های نفتی، بانکی و مالی بود که اثرات منفی عمیقی بر اقتصاد ایران گذاشت (طیعی، ۱۳۹۶: ۶۴۶-۶۵۱). به‌ویژه قطع دسترسی ایران به سیستم مالی جهانی و کاهش شدید صادرات نفتی، ضربات جدی به بخش‌های کلیدی اقتصادی وارد کرد. در این دوره، ایران تحت فشار شدیدی از سوی تحریم‌ها قرار گرفت، به‌طوری‌که نرخ تورم به شدت افزایش یافت و ارزش پول ملی کاهش چشمگیری داشت.

با دستیابی ایران به توافق هسته‌ای در سال ۱۳۹۵ (برجام)، تحریم‌های هسته‌ای در برخی بخش‌ها لغو شد، اما در سال ۱۳۹۷ پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، تحریم‌ها مجدداً علیه ایران احیا شد. این دوره، به‌ویژه پس از تحریم‌های گسترده‌تر در زمینه‌های نفتی، بانکی و تجاری، فشار اقتصادی جدیدی را به اقتصاد ایران وارد کرد. در این دوره، تحریم‌ها به‌طور عمده بر صنعت نفت، سرمایه‌گذاری خارجی، و روابط تجاری ایران تأثیر گذاشت. می‌توان مدعی شد که تحریم‌ها علیه ایران به‌ویژه در زمینه هسته‌ای، به‌عنوان ابزار فشار برای تغییر سیاست‌های خارجی ایران در زمینه برنامه هسته‌ای و کاهش تنش‌های منطقه‌ای تلقی شده است. هدف اصلی کشورهای غربی از این ابزار، وادار کردن ایران به پذیرش شروط خاصی برای محدودسازی برنامه هسته‌ای و تغییر در سیاست‌های منطقه‌ای بود.

۴-۲ تحلیل تحریم‌ها بر اقتصاد ایران

تحریم‌ها به‌طور عمده با هدف آسیب‌رساندن به بخش‌های اقتصادی حساس ایران، از جمله نفت، بانکداری و تجارت خارجی طراحی شده‌اند. مهم‌ترین هدف اقتصادی تحریم‌ها، محدود کردن درآمدهای نفتی ایران و کاهش دسترسی ایران به بازارهای مالی جهانی بوده است (ترابی فرد و همکاران، ۱۴۰۲). این اقدامات باعث کاهش توان مالی دولت و افزایش فشار اقتصادی داخلی شده است. در این گستره، تحریم‌های نفتی مهم‌ترین ابزاری بوده‌اند

که کشورهای غربی برای فشار به ایران استفاده کرده‌اند. این تحریم‌ها به‌ویژه بر صادرات نفت ایران تأثیر گذاشته‌اند. کاهش صادرات نفتی ایران به میزان قابل توجه باعث کاهش درآمدهای ارزی دولت و دشوارتر شدن تأمین نیازهای اقتصادی کشور شد. این تحریم‌ها بر بخش انرژی ایران تأثیرات منفی بسیاری به‌ویژه در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صنایع نفتی گذاشته است.

تحریم‌های تجاری، به‌ویژه در زمینه کالاهای مصرفی و مواد اولیه صنعتی، به‌طور مستقیم بر صنایع داخلی ایران تأثیر گذاشته‌اند. این تحریم‌ها باعث محدودیت در واردات تکنولوژی و مواد اولیه شده و موجب کاهش ظرفیت تولید داخلی و افت کیفیت محصولات در بسیاری از صنایع شده است (همت افزا و همکاران، ۱۳۹۲: ۵-۲۱). همچنین تحریم‌های مالی باعث شد که ایران نتواند از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی به منابع مالی خارجی دسترسی داشته باشد. این محدودیت‌ها بر جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای تأثیرات منفی داشت. همچنین، کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ تورم از جمله نتایج این تحریم‌ها بود. با توجه به این مباحث می‌توان گفت که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، به‌ویژه از سال ۱۳۸۴ به بعد، تأثیرات عمده‌ای بر ساختار اقتصادی کشور داشتند. این تحریم‌ها، با هدف کاهش وابستگی ایران به بازارهای جهانی و وادار کردن آن به تغییر سیاست‌های خارجی، به‌ویژه در حوزه هسته‌ای، طراحی شده بودند. هرچند ایران با استفاده از سیاست‌های مقاومتی، توانست برخی از آثار تحریم‌ها را کاهش دهد، اما در کل، تأثیرات منفی این تحریم‌ها بر رشد اقتصادی، تورم، و بیکاری قابل توجه بوده است.

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از جمله چالش‌های اقتصادی بزرگ در دهه‌های اخیر بوده است که بر بخش‌های مختلف اقتصاد کشور تأثیرات عمیقی گذاشته است. این تحریم‌ها با هدف محدود کردن توان اقتصادی ایران و وادار کردن این کشور به تغییرات سیاسی و اقتصادی اعمال شده‌اند. آثار تحریم‌ها در زمینه‌های مختلفی همچون درآمدهای نفتی، نظام بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی، اشتغال و تورم به وضوح مشاهده می‌شود و همچنین بحران‌های ارزی، کاهش رشد اقتصادی و مشکلات تأمین کالاهای اساسی به یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه و دولت تبدیل شده است. با این حال، موضوع اصلی و اساسی در تحلیل اقتصاد سیاسی ایران، به ویژه در دوره مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی، بررسی تضاد و تناقض میان ساختارهای اقتصادی و نهادی کشور است. به تعبیر کلی، نباید گمان کنیم نهادها و سیاست‌های اقتصادی ایران در این ساختار یگانه و فاقد تضاد و تناقض‌های درونی‌اند. درست مانند آن‌چه در نظام سرمایه‌داری میان کار و سرمایه وجود دارد، اقتصاد ایران نیز از تناقضات

ساختاری متعددی رنج می‌برد که بخش قابل توجهی از ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های سیاست‌گذاری را شکل می‌دهد (سیف، ۱۳۹۵: ۷۶-۸۳).

بررسی تاریخی تحریم‌ها نشان می‌دهد که این فشارها در ادوار مختلف جمهوری اسلامی ایران به صورت متفاوتی اعمال شده‌اند و هر دوره ویژگی‌ها و آثار خاص خود را داشته است:

۴-۲ دوره تشدید تنش‌های هسته‌ای (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

با آغاز دولت نهم و دهم و افزایش فعالیت‌های هسته‌ای ایران، مجموعه‌ای از تحریم‌های چندجانبه از سوی شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده وضع شد. تحریم بانک مرکزی، محدودیت در فروش نفت، قطع ارتباط بانکی از طریق سوئیفت و هدف‌گیری بخش‌های کلیدی اقتصاد از جمله نتایج این دوره بود که تأثیرات عمیق و بلندمدتی بر اقتصاد ایران داشت. پس از برجام و خروج آمریکا تا به امروز هم تحریم‌ها ادامه پیدا کرده‌اند. در مجموع، تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که تحریم‌ها از یک ابزار دیپلماتیک به ابزاری اقتصادی-سیاسی با پیامدهای ساختاری برای اقتصاد ایران تبدیل شده‌اند. واقعیت این است که پس از سال ۱۳۸۴ در مقابل پاسخ اولیه به تحریم‌های مالی، ایران نتوانست به سرعت به اندازه کافی خود را با این تحریم‌ها تطبیق دهد و در نتیجه، ارزش ریال در بازار آزاد در برابر دلار آمریکا به طور قابل توجهی کاهش یافت. نرخ رسمی ارز، اما برای چندین سال عقب‌تر از نرخ بازار بود که این امر فرصت‌هایی برای سوداگری و رفتارهای فسادآمیز فراهم کرد. این وضعیت با توجه به اهمیت واردات در اقتصاد ایران و استفاده از دلار آمریکا به عنوان یک ذخیره ارزش و پناهگاهی در برابر تورم برای بسیاری از ایرانیان، تشدید شد.

طبق نظر داوران ادوار خارج از بازه: [U9] Commented
زمانی مورد مطالعه مقاله حذف شد

تمام مباحث قبلی که در کامنت داوران: [U10] Commented
محترم، خروج از موضوع مقاله بود حذف شد

می‌توان گفت که حتی اگر دوره‌های جنگ هشت ساله را حذف کنیم، مشاهده می‌کنیم که نوسانات رشد تولید در ایران به مراتب بیشتر از نوسانات رشد تولید جهانی یا تعدادی از اقتصادهای نوظهور مشابه اندازه ایران، در ۴۰ سال اخیر مانند ترکیه یا عربستان سعودی است. نوسانات رشد تولید ایران (با اندازه‌گیری انحراف معیارهای رشد تولید) تقریباً پنج برابر نوسانات رشد تولید جهانی (۱۲٫۶۱٪ در مقابل ۲٫۶۹٪) بود. به عنوان مثال، مقایسه ایران و ترکیه در طول همان دوره نیز نشان می‌دهد که ترکیه با نرخ رشد متوسط سالانه ۴٪ و نوسانات ۱۰٫۸٪ رشد کرده است، کشوری که همچنین به دلیل تورم بالا و بحران‌های ارزی مکرر شناخته می‌شود. تحریم‌ها احتمالاً به انزوای اقتصاد ایران از بقیه جهان نیز کمک کرده‌اند. دوباره با مقایسه ایران و ترکیه، مشاهده می‌کنیم که

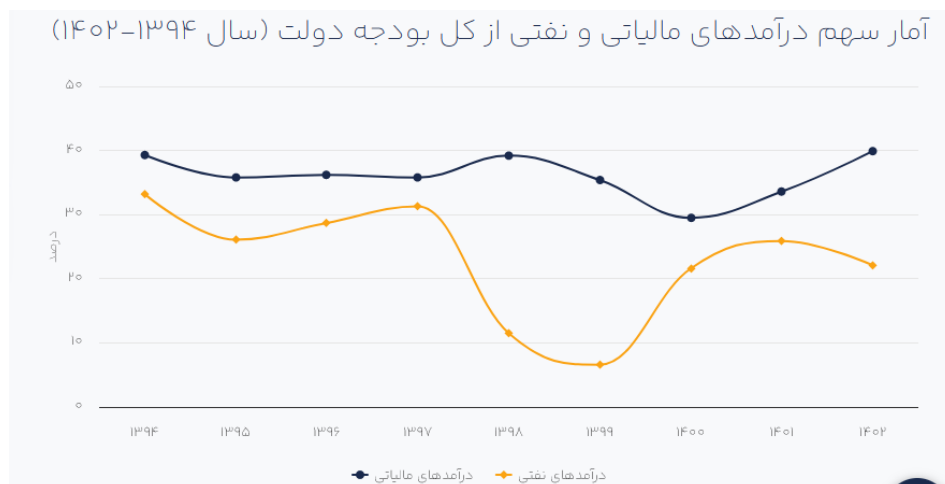
همبستگی رشد تولید ایران با رشد تولید جهانی حدود ۰,۱۲ است که به سختی از نظر آماری معنادار است، در مقایسه با همبستگی ۰,۳۳ برای ترکیه. (Laudati et al, 2023: 282)

تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه تحریم‌های مالی و بانکی، منجر به کاهش شدید ارزش ریال ایران شدند. در سال ۲۰۱۳، ارزش ریال بیش از ۵۰٪ کاهش یافت و تورم به ۳۵٪ رسید. این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافت، به‌طوری‌که تا سال ۲۰۱۸، ارزش ریال نسبت به دلار بیش از ده برابر کاهش یافت و تورم به بیش از ۳۰٪ رسید. تحریم‌ها تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی ایران داشتند. در سال ۲۰۱۲، تولید ناخالص داخلی (GDP) ایران ۷٪ کاهش یافت و در سال ۲۰۱۳ نیز کاهش ۲٪ را تجربه کرد. در دوره ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹، رشد واقعی GDP به‌طور متوسط ۵,۹٪ کاهش یافت، که بیش از سه برابر کاهش در دوره تحریم‌های قبلی بود. از جانب دیگر بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، درصد جمعیت زیر خط فقر در ایران از ۲۰٪ به ۲۸,۱٪ افزایش یافت (FARDOUST, 2020: 1-2). در سال ۲۰۲۴، این رقم به ۳۳٪ رسید، و برخی منابع داخلی این عدد را بیش از ۵۰٪ تخمین می‌زنند. افزایش قیمت مواد غذایی و کاهش قدرت خرید، به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد، از عوامل اصلی این روند بودند. براین اساس تحریم‌های اقتصادی تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد ایران داشته‌اند، از جمله کاهش ارزش پول ملی، کاهش رشد اقتصادی، کمبود کالاهای اساسی، و افزایش فقر. این عوامل نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در سیاست‌های اقتصادی و تلاش برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و افزایش تنوع اقتصادی هستند.

چه اینکه از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۲ با توجه به شدت و گستردگی تحریم‌های مالی، انتظار می‌رفت که ایران به‌سرعت سازوکارهای جایگزین و ابزارهای مالی جدیدی را برای دور زدن تحریم‌ها طراحی کند. اما نبود زیرساخت‌های لازم برای تسویه حساب‌های غیردلاری، ضعف در دیپلماسی اقتصادی، و نبود بانک‌های خصوصی قدرتمند، امکان انطباق با تحریم‌ها را کاهش داد. این امر به نوبه خود سبب شد که بخش بزرگی از تجارت خارجی ایران مختل شود و ارزآوری کشور با دشواری روبرو گردد. از جانب دیگر شکاف میان نرخ رسمی و بازار آزاد ارز، بستر فساد را به‌طور جدی گسترش داد. تخصیص ارز دولتی برای واردات کالاهای اساسی در حالی که در عمل بخشی از آن به واردات کالاهای غیراساسی یا حتی خروج سرمایه اختصاص می‌یافت، باعث شد نه تنها توزیع کالاهای اساسی با مشکل مواجه شود، بلکه اعتماد عمومی به سیاست‌های ارزی نیز تضعیف گردد. این مسأله به‌ویژه در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ به بحران اقتصادی و اجتماعی تبدیل شد. علاوه بر آثار مستقیم تحریم‌ها، بخش مهمی از بحران اقتصادی ایران ناشی از سیاست‌ها و اقدامات داخلی بود که عملاً به نوعی «خودزنی اقتصادی» تبدیل شد؛ از جمله بی‌توجهی به الزامات بین‌المللی مانند FATF که دسترسی ایران به نظام

بانکی جهانی را بیش از پیش محدود کرد، هزینه‌های سنگین و بی‌ثمر پروژه‌ها و طرح‌هایی که بر اساس تصمیمات سلیقه‌ای و بدون ارزیابی اقتصادی به برخی نهادها و مراکز اختصاص یافت، مواضع سیاسی تند و پرهزینه که فضای تعامل اقتصادی بین‌المللی را تنگ‌تر کرد، و همچنین مفاسد و رانت‌های گسترده ناشی از فرآیند دور زدن تحریم‌ها که به سودجویی گروه‌های خاص و اتلاف منابع منجر شد؛ این عوامل نه تنها ظرفیت کشور برای مقابله با تحریم‌ها را تضعیف کردند بلکه شکاف‌های ساختاری، فساد و بی‌اعتمادی عمومی را نیز تشدید نمودند.

نشان‌دهنده عدم تحقق اهداف برنامه ششم توسعه مبنی بر کاهش وابستگی به نفت است. این وابستگی نه تنها به کاهش تولیدات داخلی و وابستگی بیشتر به واردات منجر شده بلکه توانایی کشور را برای مواجهه با تحریم‌های خارجی کاهش داده است.



آمار سهم درآمدهای مالیاتی و نفتی از کل بودجه دولت (سال ۱۳۹۴-۱۴۰۲)

منبع: آمارفکت

در نهایت، این سیاست‌ها نه تنها نتوانستند وابستگی ایران به کشورهای غربی را کاهش دهند بلکه به افزایش نابرابری‌های اقتصادی و کاهش رشد پایدار در کشور منجر شدند. طبق گزارش مرکز آمار ایران، شکاف درآمدی بین دهک‌های پایین و بالا در سال ۱۴۰۲ به شدت افزایش یافته است و درآمد دهک‌های بالای جامعه بیش از ۱۰ برابر درآمد دهک‌های پایین است. این وضعیت نشان‌دهنده ناتوانی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و تأثیرات منفی سیاست‌های اقتصادی در کاهش وابستگی اقتصادی به کشورهای غربی است. نظریه وابستگی این ناکامی‌ها را ناشی از ساختار اقتصادی وابسته و به‌طور خاص، پول‌محور و منابع‌محور بودن آن می‌داند که برای خروج از این وضعیت به توسعه درون‌زا و جذب سرمایه‌های داخلی نیاز دارد.

۵-۲ بررسی سیاست‌های متعارض مانند خودکفایی، کاهش وابستگی به نفت، و تنوع‌بخشی به منابع درآمدی

تلاش‌های ایران برای خودکفایی و کاهش وابستگی به نفت، در چارچوب نظریه وابستگی، به‌منظور کاهش سلطه اقتصادی کشورهای متروپل و تقویت توانمندی‌های داخلی قابل بررسی است. نظریه وابستگی تأکید دارد که کشورهای پیرامونی باید ساختار اقتصادی خود را متنوع کرده و از تمرکز بر صادرات مواد خام، به‌ویژه نفت، خودداری کنند تا از تسلط اقتصادی کشورهای صنعتی جلوگیری کنند. در این زمینه، ایران در سال‌های اخیر برنامه‌هایی مانند افزایش صادرات غیرنفتی، توسعه صنایع دانش‌بنیان و گسترش بازارهای منطقه‌ای را در دستور کار قرار داده است. این برنامه‌ها به‌ویژه در راستای تقویت صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی طراحی شده‌اند.

علاوه بر این، تمرکز زیاد بر خودکفایی، به‌ویژه در بخش‌های صنعتی و کشاورزی، در برخی موارد منجر به کاهش کارایی و افزایش هزینه‌های تولید شده است. برنامه‌های خودکفایی که به‌منظور تقویت ظرفیت‌های داخلی طراحی شده‌اند، با محدودیت‌های تکنولوژیکی و نبود دسترسی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی روبه‌رو شده‌اند. به‌عنوان مثال، در صنعت خودروسازی ایران که یکی از بخش‌های کلیدی در سیاست‌های خودکفایی است، به‌دلیل مشکلات تأمین قطعات و تکنولوژی‌های پیشرفته، کیفیت و رقابت‌پذیری خودروهای داخلی نسبت به رقبای خارجی کاهش یافته است.

بخش قبلی از نظر داوران خارج از بازه: [U12] Commented
زمانی مقاله بود و حذف شد

۶- ارزیابی اثر بخشی سیاست‌های اقتصادی در مقابله با تحریم‌ها

در این بخش، به ارزیابی اثربخشی سیاست‌های کلان اقتصادی ایران در دوره مورد مطالعه می‌پردازیم. تمرکز بر سه هدف کلیدی است: کاهش وابستگی به نفت، تثبیت نرخ ارز و کنترل تورم، و بررسی تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها. این تحلیل به بررسی روابط نابرابر اقتصادی بین کشورهای مرکز و پیرامون می‌پردازد.

۶-۱ تحلیل دستاوردهای سیاست‌های کلان اقتصادی در دستیابی به اهداف اقتصادی کلیدی: کاهش

وابستگی به نفت، تثبیت نرخ ارز، کنترل تورم

در دهه‌های اخیر، سیاست‌های کلان اقتصادی در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی نظیر ایران، با هدف تحقق اهداف راهبردی همچون کاهش وابستگی به نفت، تثبیت نرخ ارز و کنترل تورم طراحی و اجرا شده‌اند. وابستگی بلندمدت به درآمدهای نفتی، یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط اقتصاد ملی محسوب می‌شود که در مواجهه با نوسانات بازار جهانی انرژی، ثبات اقتصادی کشور را تهدید می‌کند. همچنین، نوسانات شدید

نرخ ارز و تورم مزمن، از دیگر چالش‌های اساسی اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته بوده‌اند که بر تولید، سرمایه‌گذاری، و رفاه عمومی تأثیر منفی گذاشته‌اند. در این چارچوب، بررسی میزان موفقیت یا ناکامی سیاست‌های کلان اقتصادی در دستیابی به این اهداف کلیدی، از منظر اثربخشی تصمیمات و کیفیت حکمرانی اقتصادی، ضروری است.

۶-۱- کاهش وابستگی به نفت

جمهوری اسلامی ایران از دهه‌های گذشته کوشیده است تا وابستگی تاریخی خود به درآمدهای نفتی را کاهش دهد، هدفی که در برنامه‌های توسعه‌ای پنج‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و برنامه‌های بودجه‌ای کشور مورد تأکید قرار گرفته است. در این مسیر، توسعه صادرات غیرنفتی، گسترش صنایع پتروشیمی، و تنوع‌بخشی به درآمدهای ارزی به عنوان استراتژی‌های کلیدی مطرح شده‌اند. با این حال، تحقق این هدف همواره با چالش‌های قابل توجهی روبه‌رو بوده است، که بخش عمده‌ای از آن به تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، نارسایی‌های نظام بانکی و ساختار اقتصاد رانتی ایران بازمی‌گردد. گزارش بانک جهانی (World Bank, 2023) بیان می‌دارد که اقتصاد ایران علیرغم فشار تحریم‌ها، «تا حدی به این محدودیت‌ها تطبیق یافته» است. علاوه بر این، بخش صادرات غیرنفتی ایران - به‌ویژه پتروشیمی، فولاد، و محصولات کشاورزی - رشد قابل توجهی داشته، ولی به دلیل عدم دسترسی به شبکه بانکی بین‌المللی و محدودیت در نقل و انتقال ارز، با موانع عملیاتی مواجه بوده است.

سیاست‌های کلان اقتصادی ایران از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، به‌ویژه در دوره تدوین و اجرای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (ابلاغی ۱۳۹۲)، نشانگر جهت‌گیری به‌سوی توسعه درون‌زا، برون‌نگر، دانش‌بنیان و عدالت‌محور بوده است. اما به دلیل عواملی همچون بی‌ثباتی سیاست‌گذاری‌ها، فساد ساختاری، و شوک‌های خارجی ناشی از تحریم‌ها، این سیاست‌ها به نتایجی محدود دست یافته‌اند. (عزیزیان، ۱۴۰۲) در مجموع، تلاش‌های ایران برای کاهش وابستگی به نفت، در چارچوب نظریه وابستگی، تلاشی مشروع و هدفمند در جهت کاهش سلطه ساختارهای اقتصادی بین‌المللی و ایجاد بنیان‌های توسعه درون‌زا محسوب می‌شود. با این حال، موفقیت این مسیر نیازمند اصلاحات ساختاری، تنش‌زدایی در سطح سیاست خارجی، شفاف‌سازی اقتصاد داخلی، و کاهش فساد است. تجربه ایران نشان می‌دهد که بدون حل چالش‌های داخلی و تعدیل روابط بین‌المللی، کاهش وابستگی به نفت به صورت پایدار تحقق نمی‌یابد. به باور برخی از نویسندگان، یکی از ضعف‌های اساسی اقتصاد ایران، عدم درک اقتصاد بازار است. «اقتصاد بازار یا نظریه‌ی اقتصاد سیاسی، سیستمی است که بر پایه حاکمیت

قانون، امکان انجام معاملات اقتصادی با کمترین هزینه و بیشترین کارایی را فراهم می‌کند. در چنین اقتصادی، رقابت سالم و پایدار میان فعالان اقتصادی وجود دارد، منابع به شکلی بهینه و مؤثر تخصیص می‌یابند، و قیمت‌ها بر اساس عرضه و تقاضای بازارهای رقابتی شکل می‌گیرند» (آخوندی، ۱۴۰۲: ۲۲). این شرایط به افراد و بنگاه‌ها آزادی می‌دهد تا با انتخاب‌های اقتصادی خود، به رشد و توسعه اقتصادی کمک کنند.

۶-۱-۲ تثبیت نرخ ارز و کنترل تورم

اقتصاد ایران در طی چهار دهه گذشته، همواره با تحریم‌های بین‌المللی مواجه بوده است. این تحریم‌ها که عمدتاً از سوی ایالات متحده و برخی کشورهای غربی اعمال شده‌اند، در حوزه‌های مالی، بانکی، صادرات نفت، بیمه، کشتیرانی و... اقتصاد کشور را هدف قرار داده‌اند. با این حال، تجربه نشان داده است که اقتصاد ایران دارای درجه‌ای از تاب‌آوری^۱ در برابر فشارهای خارجی است؛ گرچه این تاب‌آوری مطلق نیست و با چالش‌های ساختاری قابل توجهی روبرو است.

با وجود تلاش‌های انجام‌شده، تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها به دلیل محدودیت‌های ساختاری نظیر وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی، ضعف نظام مالیاتی، ناکارآمدی نظام بانکی، و سیاست‌گذاری‌های ناپایدار اقتصادی با محدودیت‌های جدی مواجه است. افزون بر این، فساد اقتصادی گسترده و رانت‌خواری سازمان‌یافته نیز باعث شده تا فرصت‌های ایجادشده در شرایط تحریمی، به جای بهره‌برداری عمومی، نصیب گروه‌های خاصی شود. بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل^۲ در سال ۲۰۲۳ ایران در شاخص ادراک فساد^۳ همواره جایگاه پایینی داشته است (Transparency International, 2023) که این امر خود نشانه‌ای از فضای ناسالم حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی است. از این جهت، تاب‌آوری اقتصاد ایران وابسته به اصلاحات بنیادین در حوزه حکمرانی اقتصادی، مبارزه با فساد، اصلاح ساختار بودجه و نظام مالیاتی، و شفاف‌سازی گردش مالی است. در غیر این صورت، تداوم تحریم‌ها می‌تواند به تضعیف بیشتر ظرفیت‌های اقتصادی منجر شود و فقر و نابرابری را افزایش دهد. همچنین، در شرایط فعلی که تعاملات بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دیپلماسی اقتصادی و بهره‌گیری از فرصت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (مانند عضویت در سازمان شانگهای و بریکس) می‌تواند بر تاب‌آوری اقتصادی بیفزاید. از منظر تئوری وابستگی، تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها نه به

¹ resilience

² Transparency International

³ CPI

معنای غلبه بر فشار خارجی است، بلکه بیانگر مقاومت در یک چارچوب نابرابر و غیرعادلانه بین‌المللی است. اگرچه توسعه صادرات غیرنفتی و تلاش برای اصلاحات اقتصادی صورت گرفته، اما بدون تحول در ساختار تولید، پایان دادن به فساد ساختاری، و ایجاد پیوندهای متوازن اقتصادی با جهان، این تاب‌آوری موقت خواهد بود و ممکن است وابستگی ایران تنها از یک قطب به قطب دیگر تغییر یابد. ^{۱۱} با این وجود، با رویکرد نظریه واقع‌گرایی اقتصادی، تحلیل تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها باید فراتر از فشارهای بیرونی و موقتی بودن مقاومت اقتصادی نگریسته شود و به ساختارهای قدرت، نهادهای حکمرانی و روابط سیاسی داخلی و بین‌المللی توجه کند. واقع‌گرایی اقتصادی بر این نکته تأکید دارد که بازیگران اقتصادی در چارچوبی از منافع و تضادهای قدرت عمل می‌کنند و عوامل نهادی و سیاسی تعیین‌کننده اصلی عملکرد اقتصادی‌اند. از این منظر، تاب‌آوری ایران نه صرفاً نتیجه توانمندی‌های اقتصادی داخلی، بلکه بازتاب تعامل پیچیده‌ای است میان قدرت دولت، گروه‌های ذی‌نفع، و فشارهای بین‌المللی که به شکل موقت تعادل‌هایی ایجاد می‌کند. به همین دلیل، بدون اصلاحات نهادی بنیادین، کاهش فساد و رانت‌خواری و بازتعریف مناسبات قدرت در عرصه اقتصاد سیاسی، تاب‌آوری اقتصادی ایران همچنان شکننده و وابسته به تحولات سیاسی و بین‌المللی باقی خواهد ماند. بنابراین، راهبردی واقع‌بینانه و جامع که قدرت سیاسی و اقتصادی را به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار دهد، لازمه دستیابی به مقاومت پایدار و توسعه اقتصادی کشور است.

به صرف عضویت در سازمان شانگهای و
بریکس تاب‌آوری اقتصادی بیاورد جای بسیار تردید است که دوران
اشاره کرده بودند در این پاراگراف مورد پاسخ قرار گرفت

۷- بررسی موانع تاثیرگذار بر سیاست های اقتصاد مقاومتی

سیاست‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، با چالش‌های متعددی روبرو هستند که ریشه در موانع نهادی، ساختاری و تاریخی دارند. یکی از چارچوب‌های تحلیلی که می‌تواند به درک بهتر این ناکامی‌ها کمک کند، تئوری وابستگی است. این نظریه، برخاسته از اندیشه‌های انتقادی در اقتصاد سیاسی جهانی، بر این نکته تأکید دارد که توسعه‌نیافتگی کشورهای پیرامونی، نتیجه ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل و روابط وابسته میان کشورهای مرکز و پیرامون است. در این چارچوب، بسیاری از مشکلات و موانع اقتصادی نه صرفاً درونی، بلکه ناشی از جایگاه وابسته این کشورها در اقتصاد جهانی تفسیر می‌شود.

از منظر تئوری وابستگی، وجود فساد و ضعف در حکمرانی نه صرفاً معلول کاستی‌های بوروکراتیک داخلی، بلکه پیامدی از ساختارهای اقتصادی وابسته و سرکوبگرانه است که دولت‌های پیرامونی برای تأمین بقای خود به جای اتکا به جامعه، به روندهای رانتی (مثلاً درآمدهای نفتی) متکی می‌شوند. در فاصله زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲،

سیاست‌های اقتصادی ایران با چالش‌های ساختاری و ناکامی‌های فزاینده‌ای مواجه شده‌اند. در این دوره، ایران نه تنها با تحولات پرنوسان داخلی، بلکه با فشارهای فزاینده خارجی، به ویژه تحریم‌های گسترده اقتصادی، روبه‌رو بوده است. تحریم‌هایی که از سال ۱۳۹۰ آغاز و پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ تشدید شد، ساختار اقتصادی ایران را به سمت مدیریت بحران‌های مقطعی و اقدامات واکنشی سوق داد. این وضعیت سبب شد تا نه تنها سیاست‌های توسعه‌محور به حاشیه بروند، بلکه فساد، عدم شفافیت و ضعف در برنامه‌ریزی بلندمدت به امری مزمن و ساختاری بدل شوند.

در چارچوب تئوری وابستگی، که توسعه‌نیافتگی کشورهای پیرامونی را نتیجه ساختار نابرابر قدرت در نظام جهانی می‌داند، می‌توان مشاهده کرد که مشکلاتی همچون فساد اداری، ضعف حکمرانی و نبود شفافیت، ریشه در نظامی دارند که در آن، کشورهای غیرمتروپل، همواره تحت سلطه مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های خارجی باقی مانده‌اند. در این مدل، تحریم‌ها نه تنها ابزار فشار سیاسی، بلکه ابزاری برای تداوم وابستگی اقتصادی‌اند؛ چرا که با مسدود ساختن مسیرهای توسعه مستقل، دولت‌ها را به واکنش‌های فوری، غیرنظام‌مند و کوتاه‌مدت وادار می‌کنند. بدین‌سان، نظام تصمیم‌گیری اقتصادی در ایران، به ویژه در دهه‌های اخیر، به جای آنکه از دل یک فرایند درون‌زا، برنامه‌محور و متکی بر ظرفیت‌های داخلی رشد کند، عمدتاً در واکنش به تهدیدهای خارجی و نوسانات بین‌المللی شکل گرفته است که این امر، فساد اقتصادی را گسترش داده است. برای مثال، بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، رتبه فساد ایران در سال ۱۴۰۲، ۱۴۹ از میان ۱۸۰ کشور بوده است (Transparency International, 2023)؛ این رتبه نسبت به سال ۱۳۹۰ (رتبه ۱۲۰) کاهش چشمگیری داشته و نشان‌دهنده وخامت در کنترل فساد طی دوران تشدید تحریم‌ها است.

همزمان، ساختار اقتصادی ایران وابسته به درآمدهای نفتی باقی ماند. نفت، به مثابه کالایی استراتژیک و بیرونی‌محور، نه تنها امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از اقتصاد ایران سلب کرد، بلکه با تضعیف نهادهای تولیدی و تشدید واردات، زمینه‌ساز شکل‌گیری اقتصاد رانتی شد؛ وضعیتی که تئوری وابستگی آن را یکی از مکانیسم‌های بازتولید توسعه‌نیافتگی در جهان پیرامون می‌داند. این وابستگی به نفت در شرایط تحریم، به عامل شکنندگی بیشتر اقتصاد تبدیل شد. قطع یا محدود شدن درآمدهای نفتی، نه تنها بودجه عمومی را دچار بحران کرد، بلکه به فروپاشی برنامه‌های توسعه‌ای، افزایش نابرابری‌ها و فشارهای معیشتی منجر شد.

افزون بر این، نظام مالی و بانکی ایران، که می‌توانست بازوی اجرای سیاست‌های توسعه‌ای باشد، در سایه تحریم‌های بانکی، ناکارآمدی‌های مزمن و وابستگی به سیاست‌های دولتی، عملاً از ایفای نقش مؤثر بازماند. بانک‌ها به‌جای آنکه در خدمت بخش مولد اقتصاد باشند، به نهادهایی بحران‌زده، رانت‌محور و زیان‌ده تبدیل شدند. در عین حال، توسعه صادرات غیرنفتی، که یکی از راهکارهای گذار از اقتصاد نفتی محسوب می‌شد، به دلیل موانع ساختاری، محدودیت‌های بین‌المللی، عدم پیوستگی زنجیره تولید و ضعف دیپلماسی اقتصادی، موفق به تحقق جایگاه مطلوب خود نشد. این همه، در مجموع، بیانگر آن است که سیاست‌های اقتصادی ایران، نه تنها با ناکامی‌های جدی مواجه‌اند، بلکه در چارچوب یک نظام وابسته جهانی و ساختار درونی آسیب‌پذیر، در مسیر توسعه‌یافتگی پایدار گامی جدی برنداشته‌اند. واقعیت این است که در کنار فشارهای ناشی از تحریم‌ها، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز با موانع جدی و ساختاری مواجه بوده است که تحقق اهداف آن را با چالش مواجه کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این موانع، فقدان شفافیت در نظام اقتصادی و مالی کشور است. نبود داده‌های دقیق و قابل اعتماد، عدم انتشار گزارش‌های منظم مالی از سوی نهادهای دولتی و خصوصی، و نبود نظارت مؤثر موجب شده است تا برنامه‌ریزی اقتصادی بر پایه واقعیات انجام نگیرد و تصمیم‌گیری‌های کلان با ابهام و آزمون‌وخطا همراه باشد. از سوی دیگر، وابستگی تاریخی و ساختاری اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، یکی دیگر از موانع کلیدی در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی بوده است. این وابستگی نه تنها موجب آسیب‌پذیری شدید اقتصاد در برابر نوسانات خارجی و تحریم‌ها شده، بلکه مانعی در مسیر توسعه بخش خصوصی، نوآوری، و رشد تولید داخلی ایجاد کرده است. در شرایطی که بخش عمده‌ای از منابع بودجه عمومی از محل صادرات نفت تأمین می‌شود، انگیزه‌ای قوی برای کاهش این وابستگی در سطح سیاست‌گذاری وجود نداشته است.

یکی از مشکلات بنیادین در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی، عدم انسجام در سیاست‌گذاری اقتصادی است. تغییرات پی‌درپی مقررات، نبود هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، و فقدان راهبرد واحد در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، موجب شده است که سیاست‌های اعلامی اقتصاد مقاومتی اغلب در سطح شعار باقی بمانند و در عمل فاقد اثربخشی لازم باشند. به‌ویژه در حوزه حمایت از تولید ملی، علی‌رغم تأکیدات رسمی و شعارهای پررنگ، تولیدکنندگان داخلی همچنان با چالش‌هایی مانند تأمین مواد اولیه، دسترسی محدود به بازارهای داخلی و خارجی، و رقابت نابرابر با کالاهای وارداتی مواجه‌اند. در این میان، نظام بانکی که می‌بایست نقش توسعه‌ای ایفا کند، عمدتاً به فعالیت‌های غیرمولد و بنگاه‌داری مشغول است؛ و نظام مالیاتی نیز با معضل فرارهای گسترده و معافیت‌های بی‌ضابطه روبه‌روست که مانع ایجاد منابع پایدار برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید می‌شود. از سوی

دیگر، یکی از مهم‌ترین عوامل ناکامی در اجرای عملی اقتصاد مقاومتی، کاهش نقش‌آفرینی مردم و بخش خصوصی در فرآیند سیاست‌گذاری و اجراست. هرچند در نظریه بر مردم‌محوری و مشارکت عمومی تأکید می‌شود، اما در عمل، تمرکزگرایی، بروکراسی سنگین، و بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی مانع تحقق این اصل شده‌اند. این وضعیت در بسیاری از موارد ناشی از نفوذ و سلطه مراکز قدرت اقتصادی و شبه‌دولتی است که نه تنها سهم بالایی از پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را در اختیار دارند، بلکه در مواردی توان حذف یا محدودسازی نقش بخش خصوصی و مشارکت مردمی را نیز دارا هستند. به عنوان نمونه، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء - وابسته به سپاه پاسداران - با حضور گسترده در پروژه‌های کلان اقتصادی و عمرانی، فضای رقابتی را برای شرکت‌های خصوصی به شدت محدود کرده و عملاً بسیاری از فرصت‌های اقتصادی که می‌توانست به تقویت بخش خصوصی و افزایش سرمایه‌گذاری مردمی منجر شود، به دست نهادهای پرنفوذ افتاده است. نتیجه این تمرکز قدرت اقتصادی، کاهش تنوع بازیگران در عرصه تولید و سرمایه‌گذاری، وابستگی بیش‌ازپیش به ساختارهای شبه‌دولتی، و تضعیف بنیان‌های رقابتی اقتصاد ملی است. تا زمانی که این موانع ساختاری - از جمله انحصارطلبی مراکز قدرت اقتصادی، ضعف نهادی، و حذف تدریجی نقش بخش خصوصی - برطرف نشوند، اقتصاد مقاومتی بیش از آنکه به یک سیاست اجرایی مؤثر و پایدار بدل شود، در حد یک گفت‌وگو باقی خواهد ماند.

چرا حضور شرکت‌های خصوصی و مشارکت‌های مردمی کم شده باید به مراکزی که صاحبان قدرتند و نفوذ بی‌شمار دارند حتی توان حذف مشارکت مردمی و شرکت‌های خصوصی را دارند پرداخته شود بعنوان نمونه قرارگاه خاتم‌الانبیاء و.....

مورد بالا که نظر داوران بود اصلاح و اضافه شد

اقتصاد سیاسی ایران در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ تحت فشارهای سنگین تحریم‌های بین‌المللی و مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و نهادی قرار داشت که موجب تضعیف کارآمدی سیاست‌های کلان اقتصادی شد. با توجه به نظریه واقع‌گرایی اقتصادی، این مشکلات را نمی‌توان صرفاً معلول تحریم‌ها دانست، بلکه باید آنها را ناشی از ضعف‌های عمیق در حکمرانی اقتصادی، عدم برنامه‌ریزی منسجم، فساد سیستماتیک، رانت‌خواری گسترده، فقدان استقلال بانک مرکزی و مدیریت متمرکز دولتی دانست. این عوامل در کنار فشارهای بیرونی، زمینه‌ساز نوسانات ارزی شدید، تورم فزاینده، افزایش نرخ فقر و کاهش تاب‌آوری اقتصادی شدند. واقع‌گرایی اقتصادی بر اهمیت شناخت این ساختارهای پنهان و علل ریشه‌ای تأکید دارد و نشان می‌دهد که بدون اصلاحات نهادی و بهبود شفافیت، سیاست‌های مقاومتی و خودکفایی به تنهایی نمی‌توانند به اهداف پایدار اقتصادی دست یابند. بر پایه این تحلیل، راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای وضعیت اقتصادی ایران شامل بازسازی ساختارهای نهادی، تقویت استقلال بانک مرکزی و سایر نهادهای سیاست‌گذار، و مبارزه جدی و ساختاری با فساد و رانت است. همچنین، کاهش تمرکزگرایی در مدیریت کلان، افزایش شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و توسعه سیاست‌های اقتصادی هماهنگ و بلندمدت از دیگر ضرورت‌ها محسوب می‌شود. تنوع‌بخشی به منابع درآمدی و بهره‌گیری از

ظرفیت‌های داخلی به همراه تعامل هوشمندانه با اقتصاد جهانی می‌تواند به تقویت تاب‌آوری اقتصادی در برابر تحریم‌ها کمک کند. به این ترتیب، تلفیق رویکردهای اقتصاد مقاومتی با اصلاحات نهادی و حکمرانی شفاف، شرط لازم برای دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار در شرایط فشارهای بین‌المللی خواهد بود.

نتیجه گیری

تحلیل سیاست‌های کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی غرب، به‌ویژه در حوزه‌های نفت، بانکداری و تجارت خارجی، فشار قابل توجهی بر ساختار اقتصادی کشور وارد ساختند. در واکنش به این شرایط، سیاست‌گذاران با بهره‌گیری از راهبردهایی چون «اقتصاد مقاومتی»، «خودکفایی» و گسترش همکاری با شرکای غیرغربی، کوشیدند ظرفیت‌های داخلی را فعال کرده و آثار منفی تحریم‌ها را کاهش دهند. این اقدامات در چارچوب آموزه‌های نظریه واقع‌گرایی اقتصادی، تلاشی برای حفظ قدرت اقتصادی و توازن در برابر فشارهای خارجی محسوب می‌شد.

با این حال، یافته‌های پژوهش تأیید می‌کند که تحقق اهداف کلان این سیاست‌ها با دو دسته مانع جدی مواجه بوده است:

— موانع بیرونی شامل تحریم‌های فزاینده، محدودیت‌های بانکی بین‌المللی و کاهش دسترسی به بازارهای جهانی؛

— موانع درونی شامل وابستگی ساختاری به نفت، ضعف زیرساخت نهادی، تعارض منافع، نبود شفافیت، و فقدان انسجام در حکمرانی اقتصادی.

مطابق فرضیه تحقیق، هرچند برخی تدابیر توانستند در کوتاه‌مدت ثبات نسبی ایجاد کنند و بخشی از نیازهای کشور را تأمین نمایند، اما به دلیل استمرار ضعف‌های نهادی و مدیریتی، این سیاست‌ها در دستیابی به رشد پایدار و تاب‌آوری بلندمدت ناکام ماندند.

بر این اساس، نتیجه نهایی پژوهش آن است که در چارچوب واقع‌گرایی اقتصادی، صرف اتکا به ظرفیت‌های داخلی بدون اصلاح ساختارهای نهادی و تقویت حکمرانی اقتصادی کارآمد، نمی‌تواند پاسخگوی چالش‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی باشد. بنابراین، اصلاح نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، مبارزه ساختاری با فساد، کاهش تمرکزگرایی، و گسترش روابط هدفمند با کشورهای غیرغربی، پیش‌شرط‌های اساسی برای افزایش استقلال و قدرت اقتصادی کشور در برابر فشارهای خارجی محسوب می‌شوند.

نتیجه‌گیری مطابق با نظر داوران در دو: Commented [U15]: سطح موانع بیرونی و درونی بازنویسی شد

منابع

۱-فارسی:

الف-کتاب

آخوندی، عباس. (۱۴۰۳). اقتصاد سیاسی ایران (جلد ۲). تهران: دنیای اقتصاد.

زارعی، ابراهیم (۱۳۹۱) نقشه راه اقتصاد مقاومتی، تهران، انتشارات ایران.

سیف، احمد (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی در عصر جهانی شدن. تهران: انتشارات نگاه.

ب-مقالات

- ستوده نیا، سلمان ، احمدی راد، حسین ، دانش نیا، محمد ، احمدی راد، فرنگیس و قزلباش، اعظم . (۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی، سیاست های پولی و مالی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۶(ویژه‌نامه سال ۱۳۹۷)، ۷۴۹-۷۳۰
- طیبی، سید کمال؛ صادقی، عبدالرسول (۱۳۹۶). اثرات تحریم های بین المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ ارز در ایران. تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۲، شماره ۳، ص ۶۶۱-۶۴۱.
- عزیزیان، محمدحسین . (۱۴۰۲). بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۱۱): درآمدهای مالیاتی. (۱۸۹۳۵). ماهنامه گزارش های کارشناسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۳۱(۲)، ۱۸۹۳۵
- علینقی‌پور و گودرزی. (۲۰۲۲). تاثیر تحریم‌های آمریکا بر جهت گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سمت شرق در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی (مطالعه موردی روسیه). رهیافت انقلاب اسلامی، ۶۰(۱۶)، ۱۰۳-۱۲۴.
- عیسی زاده سعید، محمودوند رحیم، میرعالی فرانک(۱۴۰۰). اثر تحریمهای اقتصادی بر GDP سرانه در اقتصاد ایران با استفاده از روش کنترل ترکیبی. فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی؛ ۲۹ (۱۰۰) ۲۸۹-۳۲۰:
- غلامی، حسین و دشتبانی، قاسم . (۱۴۰۰). اثرات و پیامدهای تحریم‌های اقتصادی دولت ایالات متحده آمریکا. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۵۰)، ۱۵۷-۱۳۹.

- مریدی فریمانی, فاضل, حسینی, سید مجتبی, یزدی, نجم الدین و احدی مجدآبادی, محمد حسین . (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با تمرکز بر حوزه انرژی. فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار, ۹(۳۳), ۸۷-۱۱۵.
- میلانی جمیل (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی, فرصت‌ها و چالشهای تحقق آن. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی, ۱۵ (۷ و ۸): ۲۲-۵.
- همت افزا, امید, احمدی, مسعود و غفاری, رحمان . (۱۳۹۲). ارائه الگوی تحلیل خط‌مشی‌گذاری تجارت خارجی کالاهای اساسی در شرایط تحریم اقتصادی. مجلس و راهبرد, ۳۱(۱۱۹), ۳۶-۵.

ج-خبرگزاری ها و سایت ها

- اقتصادآنلاین (۱۳۹۲) بررسی نتیجه و سرانجام شعار اقتصادی سال ۱۴۰۲ / مهار تورم و رشد تولید چقدر محقق شد؟, بر اساس گزارش مرکز آمار ایران, B2n.ir/tr7356
- آمارفکت (۱۳۹۲) آمار سهم درآمدهای مالیاتی و نفتی از کل بودجه دولت (سال ۱۳۹۴-۱۴۰۲), B2n.ir/wb6512
- ترابی فرد, میلاد و رزم آهنگ, مهدی . (۱۴۰۲). ابتکار راهبردی ایران؛ جانمایی جدید و بازتعریف نقش ایران در اقتصاد جهان؛ ۱. خنثی سازی تحریم به چه معناست؟. (۱۸۹۴۲). ماهنامه گزارش های کارشناسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی, ۳۱(۲), ۱۸۹۴۲
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۹) ۴۱ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی در سال ۹۹ با وجود تحریم و کرونا, B2n.ir/ht2995

۲-انگلیسی

- Dos Santos, T. (1970) "The Structure of Dependence," The American Economic Review, 60:2, pp. 231-236.
- Drakopoulos, S. A. (2025). Tony Lawson's Critique of Modern Economics and his Contribution to Heterodox Economics.
- FARDOUST, SHAHROKH (2020) Macroeconomic Impacts of US Sanctions (2017-2019) on Iran, Johns Hopkins University Washington, DC

- Herath, D. (2008) “Development Discourse of the Globalists and Dependency Theorists: Do the Globalisation Theorists Rephrase and Reward the Central Concepts of the Dependency School?,” *Third World Quarterly*, 29:4, pp. 819-834.
- Kay, C. (2011) “Andre Gunder Frank: ‘Unity in Diversity’ from the Development of Underdevelopment to the World System,” *New Political Economy*, 16:4, pp. 523-538.
- Laudati, D., & Pesaran, M. H. (2023). Identifying the effects of sanctions on the Iranian economy using newspaper coverage. *Journal of Applied Econometrics*, 38(3), 271-294.
- Morgan, T. C., Syropoulos, C., & Yotov, Y. V. (2023). Economic sanctions: Evolution, consequences, and challenges. *Journal of Economic Perspectives*, 37(1), 3-29.
- Rome, H. (2021). Iran’s Oil Exports Are Vulnerable to Sanctions. *Journal of International Economics*, 20(1), 111-124.
- Transparency International. (2023). Corruption Perceptions Index, <https://www.transparency.org/en/cpi/2023>
- Transparency International. (2023). Iran - Corruption Perceptions Index, <https://www.transparency.org/en/countries/iran>
- World Bank. 2023. Iran Economic Monitor, Spring/Summer 2023: Moderate Growth amid Economic Uncertainty - With a Special Focus : The Gendered Impact of the COVID-19 Crisis on the Labor Market in Iran. © World Bank. <http://hdl.handle.net/10986/40243> License: CC BY-NC 3.0 IGO.”